

## بارتاب تصاویر قرآنی در مثنوی

سید رضی میر صادقی<sup>۱</sup>

فرهاد مرادی<sup>۲</sup>

### چکیده

فصاحت و بلاغت منحصر به فرد قرآن و اینکه کتاب آسمانی مسلمانان بود، باعث شد، شاعران و نویسندگان، ابتدا قرآن را در مدارس اسلامی فرا گیرند، با آن خو گرفته و به مقاصد و انگیزه‌های مختلف در نوشته‌های خود از آن استفاده کنند، یکی از حوزه‌های این استفاده، حوزه‌ی تصویر آفرینی است که شعرا به شیوه‌های مختلف در، تصویر آفرینی از آن سود جست‌اند ولی استفاده از تصاویر قرآنی در مثنوی، همانند سایر استفاده‌ی مولانا از قرآن، جهت بیان مفاهیم عالی عرفانی و اخلاقی بوده، که به طرق مختلف صورت گرفته است. در این مقاله انواع شیوه‌های تصویر آفرینی با استفاده از آیات قرآن یا اقتباس از تصاویر آن، در مثنوی، ارائه شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، اقتباس از تصاویر قرآنی، تصویر آفرینی

### مقدمه

۱- با نزول قرآن، بلاغت و فصاحت در سخن، منحصر به آن کتاب آسمانی شد به طوری که فصحا و بلغای عرب - که فصاحت و بلاغت قبلاً در انحصار آنان بود - در برابر تحدی قرآن نتوانستند هنری از خود نشان دهند؛ ناچار یا سر فرود آوردند یا از مقابل قرآن دور شدند و یا هزینه‌های سنگین پرداختند و کاری هم از پیش نبردند.

۲- از جهت آنکه کتاب خدا به زبان عربی نازل شده بود، زبان عربی، زبان فرهنگ و معارف اسلامی گردید و علوم لغت و صرف و نحو و معانی و بیان به منظور بیان مفاهیم قرآن و اثبات فصاحت و بلاغت آن گسترش یافت.

۳- شاعران و نویسندگان ایرانی که در مکتب‌ها و مدارس اسلامی تربیت می‌شدند، نخست قرآن را فرا می‌گرفتند، سپس مستقیم یا غیر مستقیم، تحت تأثیر قرآن قرار می‌گرفتند و به صورت‌های مختلف از قبیل استشهاد، تضمین، تلمیح، و اقتباس، از آن استفاده می‌کردند ولی استفاده هر یک از آنها از آیات قرآن، با انگیزه‌های متفاوتی صورت می‌گرفته است. بعضی از برای تزیین شعر و نثر، گروهی برای بیان مقصود و برخی برای مقاصد دیگر از آیات قرآن در نوشته‌های خود استفاده کرده‌اند.

نظامی عروضی در مقاله‌ی دبیری از کتاب چهار مقاله، تصریح می‌کند که: "دبیر چون قرآن داند به یک‌ایتی از عهده‌ی ولایتی بیرون‌اید، چنانکه اسکافی. و ماجراهای اسکافی، دبیر آل سامان را شرح می‌دهد که چه گونه برای آیات قرآن تسلط داشت و آنها را در نامه‌ها، به جا استفاده می‌کرد. (چهار مقاله، ص ۱۳۶۴، ۲۲)

ناصر خسرو قرآن را با خلوص ایمان و عقیده به مبانی دین و مذهب مورد استفاده قرار داده و آن را به منزله‌ی دژی استوار می‌داند که ملجأ و پناهگاه معنوی اوست. (تحلیل اشعار ناصر خسرو، ص ۲)

شعرا برای مثال عنصری، فرخی و منوچهری از مضامین و آیات قرآن به عنوان مواد رایج موجود برای بیان مقصود یا احیاناً دلنشین کردن شعر خود بهره‌برداری کرده‌اند لذا بسیار دیده می‌شود که این شاعران الفاظ و عباراتی را که در قرآن درباره‌ی خدا یا مقام برخی از انبیا نازل شده، درباره‌ی پادشاهی یا امیری، در شعر خود به کار می‌برند (همان ص ۲)

### استفاده از آیات قرآن در شعر شاعران

استفاده‌های مولوی از آیات قرآن در مثنوی با دیگران تفاوت دارد مثنوی، گذشته از آنکه فضای فکریش، فضایی قرآنی است، در جزئیات نیز کمتر از مفاهیم و اندیشه‌های قرآنی فاصله می‌گیرد (آیات قرآن در مثنوی، ص ۹)

"این مفاهیم و معانی آن‌چنان در جای جای مثنوی موج می‌زند که کمتر صفحه‌ای از آن را می‌توان یافت که خالی از اندیشه‌ی قرآنی باشد". (همان ص ۹)

۱- دکتر سید رضی میر صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد خدابنده، پست الکترونیکی [razi.mirsadeghi@gmail.com](mailto:razi.mirsadeghi@gmail.com)

۲- فرهاد مرادی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، شاغل در دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی زنجان [shaer.ir@gmail.com](mailto:shaer.ir@gmail.com)

و فور مضامین قرآنی در مثنوی و تبیین و تفسیر اکثریات آن برای بیان مفاهیم ذهنی و متقاعدکردن مستمعان، آن را به تفسیر قرآن تبدیل کرده است. می‌دانیم که اکثر استدلالات قرآنی به شیوه‌ی تمثیلی است: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ أَنْ يُضْرَبَ مِثْلًا مَا بَعُوضَةٌ وَ مَا فَوْقَهَا" (سوره ۲، آیه ۲۶) معنی: همانا خداوند ابا ندارد، دراینکه مثل زند به پشه و بزرگ تر از آن).

مولانا حتی این شیوه را نیز از قرآن گرفته و با آوردن تمثیلات گوناگون، سعی در القای مفاهیم عرفانی و آموزه‌های خویش داشته است.

اما آوردن تصاویر قرآنی نیز یکی دیگر از حوزه‌های اقتباس شعرا از قرآن است، که همانند سایر اقتباسات، با انگیزه‌ی درونی آنها تناسب دارد؛ مثلاً غضایری رازی عین تصویر " در هم نوردیدن آسمان، همچون نامه‌ی " را از قرآن اخذ کرده و آن را برای بیان مدحی خود به کار برده است:

وآنگی کاندرد نوردند آسمان چون نامه‌ای آسمان جاودان از سقف ایوان تو بس  
(صور خیال، ص ۴۸۱)

که از ایه‌ی کریمه‌ی "يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِكُتُبٍ" گرفته شده است (سوره ۲۱ آیه ۱۰۴) معنی (روزی که آسمان‌ها را مانند طومار در هم بپیچیم و...)

عنصری هم تصاویر قرآنی را با تصرفاتی در خدمت مدح ممدوح آورده است، از جمله:

اگر مخالفت شهریار عالم را به کوه بر بنویسی فرو خوردش مکان  
(همان، ص ۵۳۷)

که از این تمثیل قرآنی گرفته شده است "لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (۵۹) / (۲۱)

(معنی اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم مشاهده می‌کردی که کوه از ترس خدا خاشع و ذلیل شکاف بر می‌داشت. که از زیباترین تصاویر دل انگیز قرآن است)

ناصر خسرو به علت توجه بسیار به قرآن از تشبیهات خاص قرآن نیز در شعر خود کم و بیش مایه گرفته است. مانند:

چون است باغ و شاخ سمن پروین گر ماه تو خمیده چو عرجونست  
(دیوان، ص ۲۵۶)

که از ایه‌ی " وَ الْقَمَرَ قَدْرِنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ" گرفته و عیناً مشبّه و مشبّه‌به را آورده است. و در بیت زیر فقط مشبّه‌به را از ایه‌ی قرآن گرفته و متناسب آن مشبّه را از خود آورده است:

و آن ابر همچو کلبه ندافان اکنون چو گنج لؤلؤ مکنون است  
(همان، ص ۲۵۶)

در شعر بلفرج رونی نیز بعضی تعبیرات قرآنی از قبیل "بَادِ عَقِيمٍ، وجود دارد. (صورخیال در شعر فارسی، ص ۵۹۴) تأثیر پذیری لامعی از تصاویر قرآنی بسیار سطحی و به گونه‌ای است که عین تعبیر قرآنی را بی‌هیچ تصرفی و حتی بی‌آنکه ترجمه کند به کار می‌برد که در حقیقت نوعی اقتباس است نه اخذ تصویر. مانند:

سهمش چو سهم هاویه، صد بیم در هر زاویه اعجاز نخل خاویه، دیوار و بامش را مثل  
(همان، ص ۶۴۵)

که از ایه‌ی: كَانَهُمْ اعْجَازُ نَخْلِ خَاوِيَةٍ (الحاقه ۷) گرفته و در خدمت تعبیرات مدحی خود آورده است. سنایی نیز بعد از تحول احوال و روحيات، آیات قرآن را در بیان مقاصد عرفانی و زهدی و اخلاقی به کار برده و از تصاویر قرآنی به طرق مختلف استفاده کرده است.

همان‌طور که گفته شد، آیات قرآن در جای جای مثنوی به کار رفته و گویا مولانا با نوشتن مثنوی می‌خواسته است، تفسیری بر قرآن بنویسد و در حقیقت همین کار را کرده و مثنوی را به عنوان تفسیری بر قرآن کریم نگاشته است. دکتر عبدالحسین زرین کوب زمینه‌ی فکری مولانا را از قرآن کریم دانسته و در این باره می‌گوید: زمینه‌ی فکر و بیان مثنوی بیش از هر چیز متأثر از قرآن کریم است و این از آنجا ناشی می‌شود که متصوِّفه مبادی و تعالیم خود را غالباً به قرآن منسوب یا مربوط می‌کرده اند ولی در مثنوی این کثرت و تنوع اشارت و معانی قرآنی تا حدّ زیادی مخصوصاً ناشی از همان سابقه‌ی اشتغال شخصی و خانوادگی وی به حرفه‌ی وعظ و تذکیر هم بوده است. (سرّ نی، ۱۳۶۴، ص ۳۴۱)

اما مولانا مانند سنایی به محتوا و بطن قرآن توجه دارد، بطنی که شناخت آن برای همگان میسر نیست:

حرف قرآن را بدان که ظاهری ست	زیر ظاهر باطنی بس قاهری ست
زیر آن باطن یکی بطن سوم	که در او گردد خردها جمله گم
بطن چارم از نبی خود کس ندید	جز خدای بی نظیر بی ندید

۴۲۴۳ - ۴۵ / ۳

و همگان را توصیه می‌کند. که همچون ابلیس - که به ظاهر آدم نگریست و از ماهیت او آگاه نبود و به همین خاطر گمراه شد - نباشند بلکه به شناخت بطن پنهان آن پردازند:

توز قرآنی پسر ظاهر مبین	دیو آدم را نبیند جز که طین
ظاهر قرآن چو شخص آدمی ست	که نقوشش ظاهر و جاننش خفی ست
مرد را صد سال عمّ و خال او	یک سر مویی نبیند حال او

۴۲۴۶ - ۴۸ / ۳

مولانا قرآن را محک تمییز عقل و وهم می‌داند:

بی محک پیدا نگردد وهم و عقل	هر دو را سوی محک کُن زود نقل
این محک قرآن و حال انبیا	چون محک، مر قلب را گوید: بیا

۴۳۰۳ - ۴ / ۴

### گونه‌های مختلف بازتاب تصاویر قرآنی در مثنوی

باین توصیفات یقین حاصل می‌شود که شالوده مثنوی از قرآن است. بنابراین، طبیعی است که تصاویری که در مثنوی به کار رفته، از قرآن متأثر باشد، تصاویری که مولانا در مثنوی به کار برده، غالباً برای تقریب به ذهن کردن مطالب عالی و آموزه های عرفانی یا اخلاقی است، در مواردی این تصاویر از قرآن اخذ و اقتباس شده که به طرق مختلف در مثنوی انعکاس یافته است:

الف) در بعضی از تصاویر فقط مشبّه "به را از قرآن گرفته و به تناسب موضوع، منظور خود را - که قصد القا و تشریح و تفهیم آن را داشته - مشبّه قرار داده است:

۱- تن ز جان و جان ز تن مستور نیست      لیک کس را دید جان دستور نیست

۸ / ۱

با توجه به بیت ۷ / ۱ (سرّ من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست) ۷ / ۱ بیت مورد نظر (۸ / ۱) به عنوان شاهد مثال آمده تا نشان دهد که سرّ به منزله‌ی جان و ناله به منزله تن است، همان‌طور که هر کس قادر به تشخیص جان در درون بدن نیست، اسرار هم از روی ناله‌ها قابل تشخیص نیستند؛ پس به طور مضمّر در این دو بیت اسرار به جان تشبیه شده است و مشبّه "به یعنی جان ازایه‌ی " یستلونک عن الروح قل الروح من امر ربّی...." (۸۵ / ۱۷) گرفته شده و با ظرافت خاصی بین آن و مشبّه ارتباط برقرار کرده است. (تفسیر مثنوی شریف، ص ۱۴)

۲ - من چگونه هوش دارم پیش و پس چون نباشد نور یارم پیش و پس

۳۲ / ۱

نور یار در مصرع دوم، مستعارمنه است که ازایات " و یَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ (۵۷ / ۲۸) ..و " و یَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ (سوره حدیدایه ۱۲) گرفته شده و مستعارله مورد نظر خود را که " معارف الهی " است به آن مربوط کرده است.

۳ - سایه خواب را آرد تو را همچون سَمَر چون برآید شمس، انشق القمر

۱۱۸ / ۱

سایه مستعارمنه استدلال و عقل اهل قیل و قال واقع شده، و سپس به طور مضمربه قمر تشبیه شده است. همان طور که قمر با طلوع شمس، ناپدید می‌شود، بطلان استدلال استدلالیان نیز با حضور حقیقت، اثبات می‌شود. مشبه " به (قمر)ازایه «(اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ)» گرفته شده و مشبهی متناسب با آن برایش منظور شده است.

۴ - بحر تلخ و بحر شیرین در جهان در میانشان برزخ لا یبغیان

۲۹۷ / ۱

دراین بیت بحر تلخ (مِلْحُ اجاج) استعاره از منافقان و کافران و بحر شیرین (عذب فرات) استعاره از مؤمنان است که مولانا هر دو را ازایه‌ی «(وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فَرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ اجاج وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حَجْرًا مَّحْجُورًا)» (۲۵ / ۵۳) و برای تکمیل معنی ازایه‌ی «(مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبِغِيَانِ)» استفاده کرده است. (۱۹ / ۵۵)

۵ - صد هزاران نیزه‌ی فرعون را در شکست از موسی‌ای با یک عصا

۵۲۷ / ۱

موسی مستعارمنه است که ازایه‌ی " فالقی عصاه فاذا تَلَفَّأ ما يَأْكُون " (۲۶ / ۴۵) گرفته شده و مستعارله متناسب؛ یعنی اهل معنا را برای آن منظور کرده است.

۶ - گر چه "مصباح و زجاجه" گشته‌ای لیک سر خیل دلی، سر رشته‌ای

۲۹۳۶ / ۱

"مصباح و زجاجه" مشبه " به است که ازایه‌ی " نورالسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا... " (۲۴ / ۳۴) گرفته شده است.

۷ - تخت دل معمور شد پاک از هوا بروی " الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى "

۳۶۶۵ / ۱

مشبه " به؛ تخت، که ازایه‌ی " الرحمن على العرش استوا " (۲۰ / ۵) گرفته شده و به تناسب موضوع، دل را به عنوان ((مشبه)) آورده است.

۸ - چون کنی از خلد در دوزخ قرار غافل از لا یستوی اصحاب نار

۳۳۲ / ۲

"اصحاب نار" استعاره از " پیر زن " است که باز شاه را که به خانه‌اش آمده بود گرفت و از روی دلسوزی ناخن‌هایش را کوتاه کرد " که ازایه‌ی «(لا یستوی اصحاب نار و اصحاب الجنه...)» (۵۹ / ۲۰) گرفته شده و متناسب آن پیر زن را مستعارله قرار داده و خانه‌ی پیرزن به دوزخ و خانه‌ی شاه به بهشت تشبیه شده است.

۹ - یونس ات در بطن ماهی پخته شد مخلصش را نیست از تسبیح بُد

۳۱۳۵ / ۲

"یونس" استعاره از روح و "بطن ماهی" استعاره از تن است که ازایات "فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُمْ مُلِمٌ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ - لَلْبُطْنِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ" (۳۷ / ۱۴۴ - ۱۴۲) گرفته شده و متناسب موضوع مستعارله (مشبه) آورده شده است.

همچنین در ابیات ۲ / ۱۶۵، ۳ / ۳۴۶۱، ۳ / ۴۳۱۷، ۳ / ۴۳۶۷، ۴ / ۱۲۵۷، ۴ / ۲۵۱۷، ۴ / ۲۵۲۱، ۴ / ۳۱۹۵، ۵ / ۳۵۷۶، ۵ / ۳۳، ۵ / ۷۶۸، ۵ / ۷۶۴، ۵ / ۳۲۹۲، ۵ / ۴۱۹۲، ۶ / ۱۷۸۸، ۶ / ۹۲۹۱، به ترتیب ازایات ۳۹ / ۷۳، ۲۱ / ۶۹، ۴۷ / ۱۵، ۵۰ / ۹، ۲۰ / ۱۰، ۲ / ۱۰۲، ۴۷ / ۱۵، ۵۳ / ۱۵، ۳۲ / ۱۹، ۱۱۳ / ۴، ۷ / ۱۱۷، ۴۵ / ۴۶، ۲۰ / ۶۹، ۲۶۰ / ۵، ۱۱۱ / ۵، ۷ / ۱۴، ۵۵ / ۵۶، ۳۸ / ۴۲، ۵ / ۲۶ و ۱۱۱ / ۵ در تصویر سازی به همین شیوه استفاده شده است. (ب) مولانا در بعضی از تصاویر مثنوی، مشبه یا مستعارله را از قرآن گرفته و به تناسب موضوع، مشبه "به یا مستعارمنه را خود انتخاب کرده است:

۱ - مال تخم است و به هر شوره منه تیغ را در دست هر رهزن مده

۳۷۱۸ / ۱

شوره مستعارمنه است که مولانا خود انتخاب کرده و مشبه مورد نظرش "سُفَهَاءُ" را ازایه‌ی "وَلَا تَوَّعْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمِ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا" (۴ / ۵) گرفته است.

۲ - حرف ظرف آمد در او معنی چو آب بحر معنی عنده، أم الكتاب

۲۹۶ / ۱

"أم الكتاب" مشبه است که ازایه‌ی "يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ" برگزیده و آن را به بحر معنی تشبیه کرده است. (۱۳ / ۳۳)

۳ - تا تو بودی آدمی، دیو از پیات می‌دوید و می‌چشانید او می‌ات

۱۸۷۵ / ۱

مستعارله (کفر) را ازایه‌ی "كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ أَكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ: أُنْثَى.." (۵۹ / ۱۶) گرفته و آن را به ((می)) تشبیه کرده است.

۴ - من بگفته بند، شد بند از جفا شیرپند از مهر جوشد و از صفا

۲۵۴۸ / ۱

مشبه (پند) را ازایه‌ی ((فتولَى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ)) (۷ / ۷۹) که قول حضرت صالح خطاب به خداوند درباره‌ی قوم پند ناشنوی خود است گرفته و آن را به بند و شیر تشبیه کرده است.

۵ - لوله‌ها بر بند و پُردارش ز خُم گفت: غَضُوا عن هوا ابصاركم

۲۷۱۴ / ۱

"أَبْصَارُ" را به عنوان مشبه ازایه‌ی ((قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا أَفْرُوجَهُمْ...)) (۲۴ / ۳۰) و آن را همراه سایر حواس به لوله‌ها تشبیه کرده است.

۶ - ما رميت أذ رميتم در حراب من چو تیغم و آن زنده آفتاب

۳۷۸۹ / ۱

آن زنده، کنایه از حضرت حق است که به عنوان مشبه ازایه‌ی: ((ما رميت أذ رميت ولكن الله رمى)) (سوره انفال ۸ / ۱۷) گرفته شده و به آفتاب تشبیه شده است.

۷ - زان شهنشاه همایون نعل بود که سراسر طور سینا لعل بود

۱۳۳۲ / ۲

طور سینا در بیت، مشبّه واقع شده که ازایه‌ی ((فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْحَبْلِ جَغَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا)) (۷ / ۱۴۳) گرفته شده است.

۸ - نفس زین سان است، زان شد کشتنی  
خارسه سویست، هر چون کش نهی  
أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ گفت آن سنی  
در خَلَد وز زخم او تو کی جهی  
۳۷۴ - ۷۵ / ۳

"نفس" ازایه‌ی ((وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا اِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ دَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ...)) (۲ / ۵۴) گرفته و به خار سه سو تشبیه شده است.

۹ - اسپر آهن بود صبرای پدر  
حق نبشته بر سپر جاء الظفر  
۲۴۶۹/۵

مشبّه (صبر) ازایه‌ی های ((وَ اِنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ...)) (۴ / ۲۵) و ((لنَجزینَ الذین صبروا اجرهم باحسن ما کانوا یعملون)) (۱۶ / ۹۶) گرفته شده و به سپر تشبیه شده است.

۱۰ - تاج کر مناست بر فرق سرت  
طوق اعطیناک آویز برت  
۳۵۷۴ / ۵

"کرامت انسانی" به عنوان مشبّه ازایه‌ی ((وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...)) (۱۷ / ۷۰) گرفته شده و به "تاج" تشبیه شده که به انسان هدیه داده شده است.

همچنین "هدایای الهی" ازایه‌ی ((اَنَا اعطیناک الکوثر)) (۱۰۸ / ۱) گرفته شده است و به طوق تشبیه شده که گردن انسانی را زینت بخشیده است. همچنین در ابیات زیر به همین شیوه در تصویر سازی استفاده شده است:

((در بیت ۲ / ۳۴۹۳ ازایه‌ی ۷ / ۱۰۲، در بیت ۳ / ۱۳۱۱ ازایه‌ی ۱۱ / ۴۳ در بیت ۳ / ۱۳۱۴ ازایه‌ی ۱۱ / ۴۳، در بیت ۳ / ۱۵۵۷) ازایه‌ی ۲۴ / ۷۹ در بیت ۳ / ۲۸۹۷) ازایه‌ی ۱۴ / ۷، در بیت ۳ / ۳۱۰۲) ازایه‌ی ۲۱ / ۶۹، در بیت ۳ / ۳۱۰۳) ازایه‌ی ۱۰ / ۳۴، در بیت ۳ / ۳۷۰۲) ازایه‌ی ۱۹ / ۱۷، در بیت ۳ / ۴۲۱۰) ازایه‌ی ۲ / ۲۶ در بیت ۳ / ۴۳۸۸) ازایه‌ی ۱۴ / ۲۴، در بیت ۳ / ۴۴۷۲) ازایه‌ی ۴۱ / ۱۱ در بیت ۴ / ۱۰۷۴) ازایه‌ی ۱۵ / ۳، در بیت ۴ / ۲۵۰) ازایه‌ی ۹ / ۳۵، در بیت ۴ / ۳۴۷۹) ازایه‌ی ۷ / ۱۹۸، در بیت ۵ / ۴۳۸) ازایه‌ی ۲۱ / ۶۹ در بیت ۵ / ۴۵۱) ازایه‌ی ۱۴ / ۴۶ در بیت ۵ / ۵۸۹) ازایه‌ی ۴۷ / ۱۹، در بیت ۵ / ۴۱۲۰) ازایه‌ی ۲۶ / ۵۰، در بیت ۶ / ۲۳۶۷) ازایه‌ی ۱۱ / ۴۳ در بیت ۶ / ۲۶۶۰) ازایه‌ی ۴۱ / ۱۶-۱۵ و ۱۹ / ۵۴ و ۱۲ / ۳۴ و ۸۱ / ۲۱، در بیت ۶ / ۲۸۶۳) ازایه‌ی ۱ / ۹۴)) (ج مشبّه و مشبّه "به، هر دو را از قرآن گرفته ولی در موضوع مورد نظر خود به کار برده است که می‌توان آن را نوعی اقتباس تصویر از قرآن دانست:

۱ - گفت: دنیا لعب و لهو است و شما  
کودکید و راست فرماید خدا  
۳۴۳۱ / ۱

مشبه (دنیا) و مشبّه به (لعب و لهو) هر دو ازایه‌ی ((وَ مَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ)) (۶ / ۳۲) گرفته شده است.

۲ - دیو می‌سازد جفان کالجواب  
زهره نی تا دفع گوید یا جواب  
۳۶۸۳ / ۱

مشبّه (جفان) و مشبّه به (جواب) هر دو ازایه‌ی ((یَعْلَمُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ... وَ جفان کالجواب)) (۳۴ / ۱۳) گرفته شده است.

۳ - هست بر مؤمن شهیدی زندگی  
بر منافق مردن است و ژندگی  
۱۰۷۶ / ۲

مَشْبَه (شهید شدن)، و مَشْبَه به (زندگی) هر دو ازایه‌ی ((وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)) (۳ / ۱۶۹) اخذ شده است.

۴- ورنه لا عین رأت چه جای باغ گفت نور غیب را یزدان چراغ  
۳۴۰۶/۳

نور غیب به چراغ تشبیه شده که هر دو ازایه‌ی ((اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مُصْبِحًا)) (۲۴ / ۳۵) اخذ شده است.

۵- آن دل قاسی که سنگش خواندند نا مناسب بُد مثالی راندند  
۲۷۴۷ / ۵

دل قاسی را به سنگ تشبیه کرده که ازایه‌ی ((ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ...)) (۲ / ۷۴) گرفته شده است.

۶- ذکر موسی بند خاطرها شده است کین حکایت هاست که پیشین بُدست  
۱۲۵۱ / ۳

داستان حضرت موسی که نظر مستمعان را جلب کرده، و افکار آنان را به بند کشیده و نمی‌گذارد به عمق آن راه یابند و پیام آن داستان را درک کنند از نظر آنان مانند افسانه‌های پیشین (اساطیر الاوین) است که ازایه‌ی ((يَقُولُونَ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ هَذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ)) (۶ / ۲۵) گرفته شده است

(د) بعضی از تصاویر را که به صورت تشخیص (استعاره‌ی مکنیه) هستند به همان صورت از قرآن گرفته است:

با زبان گر چه تهمت می‌زند دست و پاهشان گواهی می‌دهند  
۲۱۵۳ / ۱

که ازایه‌ی ((الْيَوْمَ نَحْتُمُ عَلَىٰ افْوَاحِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اِيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)) (۳۶ / ۶۵) گرفته و عیناً به فارسی ترجمه کرده است. (ازاین گونه اقتباس از تصاویر قرآن، به تعداد زیاد در مثنوی مصور است.)

(ه) بعضی از تصاویر را به صورت استعاره‌ی مکنیه آورده که مستعارله را از قرآن گرفته و صفتی را به او نسبت داده و تصویری جدید ساخته است:

آن بلیس از خمر خوردن، دور بود مست بود او از تکبر و ز جحود  
۳۶۱۴ / ۴

که تکبر و جحود را ازایه‌ی ((وَاذْقُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا اِلَّا ابْلِيسَ ابِي وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ)) (۲ / ۳۴) گرفته و به شراب تشبیه کرده که موجب مستی ابلیس شد.

(و) مضمون تصویر را از قرآن گرفته و متناسب آن مضمون، تصویر ساخته است:

۱- مه فشاند نور و سگ عو عو کند هر کسی بر خلقت خود می‌تند  
۱۴ / ۶

که مضمون آن را ازایه‌ی ((كُلُّ يَعْْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ)) (۱۷ / ۸۴) گرفته و متناسب آن مضمون تصویر آفرینی کرده است

۲- کان بلیس از متن طین کور و کر است گاو کی داند که در گل گوهر است  
۲۹۳۳/۶

که مضمون آن را ازایه‌ی ((قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ، خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)) (۳۸ / ۷۶) گرفته و به طور مضمون ابلیس را به گاو تشبیه کرده است.

۳- دیو یک دم کژ رود از مکر و زرق تازیانه‌ایدش بر سر چو برق  
۱۱۸۴ / ۴

که مضمون آن را ازایه‌ی ((وَحَفَظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ)) (۱۵ / ۱۸ - ۱۷) گرفته و به تناسب موضوع تصویر آفریده است.

۴- این سخن پایان ندارد موسیا این رها کن این خران را در گیا  
تا همه زان خوش علف فربه شوند هین که گرگانند ما را خشم مند  
۳۶۶۸ - ۶۹ / ۴

مضمون را ازایه‌ی ((ذره‌م یا کلو و یتمتّعوا)) (۱۵ / ۳) گرفته است.

### فهرست منابع:

- ۱- درگاهی، محمود، (۱۳۷۰)، *آیات قرآن در مثنوی*، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۲- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۴)، *سرنوی*، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی
- ۳- زمانی، کریم، (۱۳۸۵)، *شرح جامع مثنوی معنوی (دوره‌ی کامل)*، چاپ دهم، تهران، انتشارات اطلاعات
- ۴- سنایی، مجدودبن آدم، (۱۳۵۹)، *حدیقه الحقیقه*، به تصحیح مدرس رضوی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۵- شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲) *صور خیال در شعر فارسی*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات آگاه
- ۶- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۴۶)، *شرح مثنوی شریف*، ج اول، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار  
-----  
*شرح مثنوی شریف*، ج دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار  
-----  
*شرح مثنوی شریف*، ج سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار
- ۷- قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۷۰)، *دیوان*، (تصحیح مجتبی مینوی - مهدی محقق)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۸- قرآن مجید
- ۹- محقق، مهدی، (۱۳۶۸)، *تحلیل اشعار ناصر خسرو*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۰- مولوی جلال الدین، (۱۳۶۸) *مثنوی معنوی*، به همت رینولد، الین، نیکلسون، (دوره‌ی کامل)، چاپ ششم تهران، انتشارات مولی
- ۱۱- نظامی عروضی، (۱۳۶۴)، *چهار مقاله*، به اهتمام محمد قزوینی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۱۲- همایی، جلال الدین، (۱۳۶۰) *تفسیر مثنوی مولوی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه.